بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء کیفیت زندگی شهری در سکونتگاه غیررسمی پنج تن آل عبا (التیمور مشهد)

محمد اجزاء شکوهی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسؤول)
shokouhim@um.ac.ir
علی شیرازی (دانشیار منابع انسانی(گروه مدیریت)، دانشگاه فردوسی مشهد)
a-shirazi@um.ac.ir
زهره حدادمقدم (دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری، دانشگاه فردوسی مشهد)
z.haddad.1987@ gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی شهری و بررسی ارتقای فرضی منطقه حاشیه نشین محله پنج‌تن آل‌عبا در شهر مشهد با گذشت زمان است. روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است و داده‌ها از طریق مطالعات اسنادی و میدانی به‌دست آمده- است و به منظور آزمون فرضیات پژوهش از روش‌های آماری تحلیل عاملی، آنالیز واریانس، آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن و آزمون یومان ویتنی استفاده گردید. جامعه آماری پژوهش مشتمل بر ۱۷۸۵۷ خانوار حاشیه‌نشین محله پنج‌تن آل‌عبا است که ۳۷۵ خانوار به عنوان نمونه انتخاب شدند. پایایی مقیاس اصلی پرسشنامه با محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به‌دست‌آمد و اثبات گردید. روایی پرسشنامه نیز توسط اساتید و متخصصان تأیید شد. نتایج بیانگر آن است که بین سابقه سکونت و ارتقای کیفیت زندگی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، تفاوت معناداری در میزان رضایتمندی نسل اول و دوم ساکن در این منطقه دیده نمی‌شود. درنهایت یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که به‌ترتیب شاخص‌های کالبدی و شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی، دارای بالاترین میزان همبستگی نسبت به کیفیت زندگی شهری هستند.

کلید واژه ها: اسکان غیررسمی، تفاوت‌های نسلی، کیفیت زندگی شهری، مشارکت مردمی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/٤/۱۹   تاریخ تصویب:۱۳۹۱/٦/۲٦

۱- مقدمه

حدود یک سوم جمعیت جهان در مناطق حاشیه‌ای زندگی می‌کنند(Dubovyk & et al., 2011: 235). سطح زندگی ساکنان این مناطق، پایین‌تر از خط فقر یا حداقل هم سطح آن است. مطالعات پژوهش‌گران به این موضوع اشاره دارند که اسکان کم درآمدها، ساماندهی و توانمندسازی بافت های نابسامان شهری از موضوعات و مسایل مهم توسعه شهری کشور است (صالحی امیری و خدایی، ۱۳۸۹: ۶۸-۶۹). حاشیه‌نشینی، پدیده‌ای است که همراه با سایر پدیده‌های تأثیر گذار، بر مشکلات شهری افزوده است(صابری فر، ۱۳۸۸: ۳۰) و پیش بینی می‌شود در ۳۰ سال آینده تعداد حاشیه نشینان به دو میلیارد نفر برسد(نقدی و زارع، ۱۳۸۹: ۱۴۶). اسکان غیررسمی، پدیده‌ای گذرا می باشد و دارای ابعاد محدودی نیست و نشان‌دهنده ناکارآمدی برنامه‌ریزی ها و سیاست‌گذاری‌های متداول شهری است که اقدامات و رهیافت‌های نوینی را می‌طلبد (محمدی و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۶). از سوی دیگر، اسکان غیررسمی برای درصد بالایی از جمعیت شهری کشورهای درحال‌توسعه سرپناه ایجاد می‌کند (Abbott, 2002: 317). یکی از مهمترین مشکلات مناطق حاشیه، کیفیت پایین زندگی شهری در این محله‌هاست. همزمان با افزایش جمعیت و رشد شهرنشینی، حاشیه شهرها با مشکلات بسیاری به‌ویژه در زمینه مسائل اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی مواجه شدند که به‌طورکلی منجر به کاهش کیفیت زندگی شهری در این مناطق شده است(کوکبی، ۱۳۸۶: ۷۶). امروزه یکی از موضوعات مهم در برنامه‌ریزی شهری، ارتقاء کیفیت زندگی شهری در محلات حاشیه‌نشین است که نیازمند تلاش جدی مسئولان شهری در این زمینه است. هدف پژوهش حاضر، بررسی تحولات کیفیت زندگی شهری در محلات حاشیه‌نشین است. طبق دیدگاه نظری مکتب لیبرالیسم، اسکان غیررسمی یک واقعیت شهری در دنیای امروز است(پیری، ۱۳۸۴ :۳۰) که به‌مرور زمان کیفیت زندگی در این مناطق افزایش خواهد یافت. در این راستا به این موضوع خواهیم پرداخت:

۱- آیا رابطه معناداری بین سابقه سکونت و ارتقای کیفیت زندگی شهری در منطقه حاشیه‌نشین وجود دارد؟

۲-چه تفاوتی بین مهاجرین اولیه و فرزندان آن‌ها به‌لحاظ رضایت‌مندی از زندگی در محله موردمطالعه وجود دارد؟ آیا نارضایتی نسل دوم می‌تواند ناهنجاری‌های اجتماعی و درنهایت کاهش کیفیت زندگی شهری را به‌دنبال داشته باشد؟

با توجه به مفاهیم نظری، پژوهشگرانی مانند روسن[1] دستمزد(جنبه اقتصادی کیفیت زندگی) (Rosen,1979)و نوردهاوس[2]وتوبین[3] تفاوت اجاره‌بها یا به عبارتی شاخص‌های اقتصادی را عامل مؤثر ارتقای کیفیت زندگی شهری می‌دانند.(Nord haus&Tobin,1972) بنابراین سوال سوم این است:

۳- آیا شاخص‌های اقتصادی درمقایسه با شاخص‌های اجتماعی تأثیر مهمتری در بهبود کیفیت زندگی شهری دارند؟

فرضیات پژوهش شامل موارد زیر است:

فرضیه ۱: سابقه سکونت بر ارتقای کیفیت زندگی شهری در محله پنج تن آل عبا تأثیری مثبت دارد.

فرضیه۲: بین مهاجرین اولیه و فرزندانشان ازنظر رضایتمندی زندگی تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه۳: شاخص‌های اقتصادی درمقایسه با شاخص‌های اجتماعی تأثیر مهم‌تری در بهبود کیفیت زندگی شهری دارند.

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است و به‌روش توصیفی- تحلیلی انجام شد. جامعه آماری پژوهش دارای ویژگی مشترک «حاشیه نشین بودن» هستند که تمامی خانوارهای محله پنج تن آل عبا را شامل می‌شود. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران (حافظ نیا، ۱۳۸۷:۱۴۲) تعداد ۳۷۵ نفر به دست آمد.

$$n=\frac{\frac{t^2pq}{d^2}}{1+\frac{1}{N}\left(\frac{t^2pq}{d^2}-1\right)}=\frac{\frac{(1.96)*(1.96)*.5*.5}{(.05)^2}}{1+\frac{1}{17887}\left(\frac{(1.96)*(1.96)*.5*.5}{(.05)^2}-1\right)}=۳۷۵$$

در مطالعه حاضر، بخشی از اطلاعات به وسیله پرسشنامه و مابقی از طریق مصاحبه با مدیران شهری به‌دست‌آمد. همچنین پیشینه تحقیق و چارچوب نظری پژوهش به‌روش کتابخانه‌ای(اسنادی) تدوین شد و داده‌های پژوهش با نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. فرضیات پژوهش از طریق نرم‌افزار SPSS و با

1. Rosen
2. NordHaus
3. Tobin

روش‌های آماری(تحلیل عاملی)[1]، آنالیز واریانس[2]، آزمون کولموگروف-اسمیرنوف[3] و آزمون یومان ویتنی[4] تجزیه و تحلیل شدند.

۳- مبانی نظری

۳-۱- اسکان غیررسمی

سکونتگاه‌های خودرو با واژه‌هایی مانند اسکان غیررسمی، حاشیه‌نشینی و مانند آن تعریف شده‌اند(سرور و جعفری، ۱۳۸۸: ۷۸). در فارسی واژه‌های تخصصی متعددی درمورد حاشیه‌نشینی به‌کار رفته‌است که شامل زاغه‌نشینی، آلونک‌نشینی، حلبی‌آباد و مواردی از این قبیل است که هر یک معنای خاصی دارند. به‌تازگی واژه‌هایی مانند کانون‌های جمعیتی بی‌ضابطه یا سکونتگاه‌های نامتعارف، رواج بیشتری یافته‌اند(شیخی، ۱۳۸۱ :۲۰۰) و (Guillermo & et al., 2011:650). اسکان غیررسمی یا غیرقانونی ازنظر حق‌مالکیت، شرایط زندگی، تراکم، ترکیب خانواده، سطح امنیت و پیشرفت و میزان تغییر از شرایط متنوعی برخوردار است(Huchzermeyer, 2009:271). این مناطق بدون برنامه به وجود آمده‌اند و حتی موقعیت مکانی آن ها در نقشه مشخص نیست(Ruther & et al., 2002 :269).

طبق تعریف برنامه اسکان بشر سازمان ملل، حاشیه‌نشینی شامل کمبود موارد پنج‌گانه زیر است:

۱- دوام مسکن: ساختار بادوام در مکانی بی‌خطر

۲- مساحت کافی مسکن: بیش از دو نفر در یک اتاق زندگی نکنند.

۳- دسترسی به آب سالم: دسترسی به آب کافی برای خانوار که با قیمت مناسب صورت گیرد و این دسترسی بدون تلاش زیاد انجام شود.

۴- بهداشت مناسب: سیستم دفع فاضلاب مناسب، سرویس‌های بهداشتی اختصاصی یا سرویس بهداشتی عمومی مشترک با تعداد مناسب افرادی که با هم از این سرویس‌ها استفاده کنند.

---

۱. **روش تحلیل عاملی:** این روش به‌طورکلی برای برخی روش‌های آماری چندمتغیره به کار می رود هدف این روش، طبقه‌بندی متغیرها در چند عامل و نهایتاً درک بهتر پدیده‌ها و همبستگی بین آنهاست (زنگی آبادی، ۱۳۷۸)

2. Analysis of variance
3. Kolmogorov–Smirnov
4. Y Mann Whitney

۵- امنیت حق تصرف: مدارک یا مستنداتی که امنیت حق‌سکونت را ثابت کند (Kit & Reckien, 2011:660) و همچنین در رابطه با امنیت حق تصرف در این مناطق می‌توان گفت سکنه اقامت یافته در حاشیه شهرها ازنظر سلب مالکیت به‌شدت آسیب‌پذیرند (Parsa & Nakendo, 2011:695).

دیدگاه‌های مختلفی درمورد اسکان غیررسمی ارایه شده است که هریک ابعاد مختلف این پدیده را بررسی کرده‌اند، طبق دیدگاه لیبرالیسم اسکان غیررسمی، واقعیتی شهری در دنیای امروز است (پیری، ۳۰:۱۳۸۴) و پدیده‌ای مثبت محسوب می‌شود که به مرور زمان کیفیت زندگی شهری در این مناطق افزایش می‌یابد چرا که حاشیه‌نشینان با شرایط زندگی شهری سازگار می‌شوند.

رادیکالیست‌ها معتقدند تأثیرپذیری کشورهای درحال‌توسعه از کشورهای سرمایه‌داری زمینه حاشیه‌نشینی را فراهم کرده‌است، به اعتقاد آن ها علت عمده حاشیه‌نشینی، جاذبه‌های شهری و دافعه‌های روستایی است[1]. براساس دیدگاه وابستگی، مادرشهرها در سطوح بالاتر، مازاد اقتصادی کشورهای توسعه‌نیافته را از طریق وابستگی به مادرشهرهای ملی جذب می کنند. این وابستگی درمورد شهرهای کوچک کشورهای توسعه نیافته نیز گسترش می‌یابد و نوعی استعمار داخلی را پدید می‌آورد (احمدی، ۱۳۸۵: ۴۲) و درواقع حاشیه‌نشینی شهرها را نشانه این استعمار داخلی دانسته‌اند.

طرفداران دیدگاه تعامل مرکز-پیرامون، نظریه رادیکال‌ها را غیرواقعی و بدبینانه می‌دانند (سیدنورانی، ۱۳۷۹ :۷۲) عدم‌تعادل بین مرکز و پیرامون درمورد مناطق وسیعی مطرح می‌شود که ساخت و سازهای پراکنده و بدون هماهنگی کل‌نگر را به‌بار می‌آورد و منجر به بی‌نظمی مکانی می‌شوند. رفع مشکل حاشیه‌نشینی نیازمند تعامل منطقی بین مرکز و پیرامون است.

از سوی دیگر مسئله فقر در حاشیه نشینی اهمیت بسیاری دارد. فقر در چارچوب فقر مطلق و نسبی قابل بررسی است. فقر نسبی، برآوردن نیازهای فردی در سطح بسیار پایین‌تری از نیازهای سایر افراد در گروه موردنظر را شامل می‌شود(محمدی، ۹۴:۱۳۷۵). درحالی‌که فقر مطلق دربردارنده حداقل امکان دست‌یابی فرد به امکانات معمول زندگی، یعنی غذای مناسب، مسکن و پوشاک است(اسفندیاری، ۱۳۸۲: ۵). بوت[2] و راونتری[3] معتقدند فقر مطلق موضوعی عینی است و دارای تعریفی علمی بر پایه معاش است

1. http://newsmashhadir
2. Booth
3. Rowntree

و منظور از آن، حداقل نیازهایی است که برای حفظ زندگی لازم است درحالیکه فقر نسبی ناتوانی در کسب سطح معینی از استانداردهای مطلوب زندگی است(خالدی و پرمه، ۱۳۸۴: ۶۵-۶۶). پژوهش‌های لافتین[1] و هیل[2] که براساس شاخص‌های فقر انجام شد همبستگی قوی بین فقر و بروز انحرافات اجتماعی را تأیید کرده‌است(اسفندیاری، ۱۳۸۲: ۱۷). براین‌اساس، احساس فقر نسبی در فرزندان مهاجرین، بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی را به بار می‌آورد.

۳-۲- کیفیت زندگی شهری

به تازگی، کیفیت زندگی در پیشینه نظری توسعه پایدار، برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی و مباحث اقتصاد نوین مطرح شده و جایگاه ویژه‌ای یافته است؛ به طوری که مؤسسات مختلف و همچنین دولت‌ها در سطح ملی و محلی، به سنجش و شاخص‌سازی آن پرداخته‌اند (فرجی ملائی و همکاران، ۱۳۸۹ :۲). از ابتدای دهه ۶۰ میلادی، مفهوم کیفیت زندگی در کشورهای اروپایی رواج یافت (حاج یوسفی، ۱۳۸۵: ۱). این مفهوم نخستین بار در سال ۱۹۶۶، در کتاب «شاخص های اجتماعی» توسط ریموند بائر[3] مطرح شد(حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰ :۲۲۲ و ۱۳۳) که یکی از مسایل نگران‌کننده و مهم جامعه امروز است(Pacione, 2003:19) و کاربرد آن، دستیابی به زندگی با کیفیت است، به طوری که این زندگی هدفمند و لذت‌بخش باشد (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۰ :۳۴). همانطور که زان[4] (۱۹۹۲)، استور و لون[5] (۱۹۹۲) ، لنسینگ و مارانس[6] (۱۹۶۹) و وستاوی[7] (۲۰۰۶) به نقل از جفر و دابز[8] (۱۹۹۵) کیفیت زندگی را را معادل احساس رضایت کلی از زندگی می‌دانند و رافائل[9] و همکاران (۱۹۹۶) کیفیت زندگی را به حدی حدی محدود می‌کنند که شخص از امکانات اصلی زندگی لذت ببرد.

1. Loftin
2. Hill
3. Raymond Bauer
4. Zan
5. Stover & Leven
6. Lansing & Marans
7. Westaway
8. Jeffres & Dobos
9. Raphael

(Jeffres & ؛(Lansing & Marans,1969) ؛(Raphael.&et al,1996)؛(Stover & Leven, 1992) (Westaway,2006)؛Dobos,1995) با وجود اختلاف نظر درمورد تعریف کیفیت زندگی، بررسی کیفیت زندگی تحت دو عنوان «شاخص های عینی» و «شاخص های ذهنی» صورت می‌گیرد(حاتمی نژاد و همکاران ۱۳۹۰: ۲۲۴). به طور کلی منظور از کیفیت زندگی شهری توجه به شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیطی، روانی و مواردی از این قبیل به دو صورت عینی(کمی) و ذهنی(کیفی) در روند برنامه‌ریزی شهری است (مانند شرایط تحصیلی بهتر، کیفیت دسترسی، کیفیت مسکن، کیفیت مکان اوقات فراغت، ایجاد فرصت‌های کنش متقابل اجتماعی، فرصت‌های اجتماعی، اشتغال، رفاه، مشارکت اجتماعی و سایر موارد است). ماهیت اصلی کیفیت زندگی شهری، فراهم کردن و برآورده ساختن نیازهای مادی و معنوی انسان بطور همزمان است. در واقع برنامه‌ریزی برای مسکن، اشتغال و حمل و نقل بدون فراهم کردن نیازهای روانی، عاطفی و اجتماعی شهروندان (مثل نیاز به امنیت، زیبایی، آرامش‌خاطر، تعلق - اجتماعی، شادی، تفریح ومواردی از این قبیل) ناکارآمد است(کوکبی، ۱۳۸۶: ۷۷). یکی از ابزارهای سنجش کیفیت زندگی، مقیاس سنجش توسعه انسانی است که این شاخص به بررسی سه زمینه کلی طول عمر، سطح آموزش و سطح استانداردهای زندگی می‌پردازد (Morais & Camanho, 2011:400). در مطالعات کوکبی (۱۳۸۶) نیز ۴ زمینه اصلی اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، حمل و نقل بررسی شده‌است.

پژوهش‌های فراوانی به بررسی مسئله کیفیت زندگی پرداخته‌اند؛ روسن[1](۱۹۹۲) دستمزد (جنبه اقتصادی کیفیت زندگی) و نورد هاوس[2] و توبین[3] (۱۹۷۲)تفاوت اجاره‌بها را به عنوان شاخص‌های مهم مهم کیفیت زندگی بررسی کرده‌اند. دلفیم[4] موقعیت اقتصادی را یکی از ابعاد مهم کیفیت زندگی شهری محسوب کرده است و آن را دربردارنده میزان درآمد و مصرف، بازار مسکن و اشتغال و پویایی اقتصادی دانسته‌است(قالیباف و همکاران، ۱۳۹۰ :۳۷). پروتاسینکو[5](۱۹۹۷) درآمد ماهیانه هر فرد، توزیع درآمد، هزینه ماهیانه مواد غذایی که به‌ویژه به شاخص های اقتصادی اشاره می‌کند را به‌عنوان شاخص‌هایی مهم ارزیابی کیفیت زندگی شهری به‌حساب می‌آورد (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۹). پژوهش-

1. Rosen
2. Nord Haus
3. Tobin
4. Delfim
5. Protassenko

های بسیاری نیز در قاره آسیا دراین‌زمینه صورت گرفت که مشتمل بر تحقیقات کیم و شین[1](۱۹۸۲) در کره، لی لا کولهانتیت و دی[2](۱۹۹۲) در تایلند، لی[3](۱۹۹۲) و شن[4](۱۹۹۲) در هونگ کونگ، ون[5](۱۹۹۴) در تایوان و وانگ[6] (۱۹۹۳) می‌باشد(Tuan Seik, 2000 :31).

ارتباط بین حاشیه‌نشینی و کیفیت زندگی این‌است که این محله‌ها ازنظر بهره‌مندی از امکانات اولیه برای احساس رضایت کلی از زندگی بسیار محروم‌اند و مسأله مهم این است که محله پنج‌تن‌آل‌عبا از نظر برخورداری از شاخص‌های کیفیت زندگی در وضعیت بسیار بدی قرار دارد که در این پژوهش ضمن بررسی و اندازه‌گیری شاخص‌های کیفیت زندگی، به دنبال پیشنهاد و معرفی مناسب ترین شاخص برای بهبود کیفیت زندگی این محله هستیم(جدول ۱).

جدول ۱: شاخص‌های مختلف کیفیت زندگی شهری

زمینه اصلی	معیارها	
اجتماعی	۱-میزان رضایتمندی از زندگی	۲-مشارکت خانوارها در مشکلات مربوط به محله
	۳-آموزش و سطح سواد	۴-فضای قابل سکونت
اقتصادی	۱-وضعیت اشتغال	۲-میزان درآمد سرپرست خانوار
	۳-بار تکفل	۴-میزان رهن و اجاره
کالبدی	۱-وضعیت محل سکونت	۲-کیفیت بنای ساختمان
	۳-برخورداری از خدمات اساسی	۴-وضعیت مالکیت
	۵-وضعیت پروانه ساختمان	۶-نوع مصالح ساختمان
	۷-وضعیت نما	

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱

۴- یافته‌های تحقیق

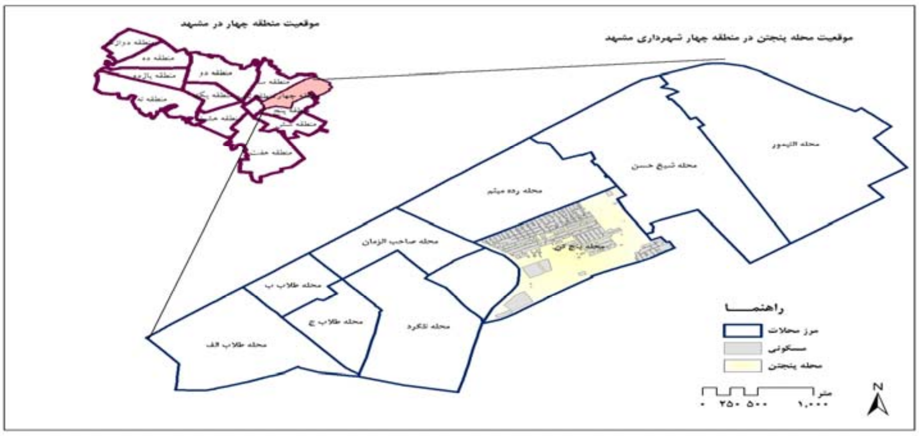
انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، باعث رشد جمعیت و افزایش مهاجرت به شهرها شد، در اولین دهه انقلاب، رشد سالانه کشور به ۳/۹ درصد رسید. باوجود شرایط اقتصادی بحرانی ناشی‌از جنگ، رشد

1. Kim & shane
2. Leelakulthanit & Day
3. Lee
4. Shen
5. Wen
6. Wang

شهرنشینی شدت یافت؛ به‌طوری‌که بیشترین سکونتگاه‌های غیررسمی در این دوره ایجاد شدند و تقریباً به حد نهایی رشد کالبدی خود رسیدند که ازجمله می‌توان به محله پنج‌تن‌آل‌عبا واقع در هسته التیمور اشاره کرد(مهندسان مشاورفرنهاد، ۱۳۸۸: ۱۱۲) که در محدوده شمال شرق مشهد در منطقه ۴ شهرداری واقع شده‌است(شکل ۱).

شکل۱: موقعیت محله پنج‌تن‌آل‌عبا در منطقه ۴ شهرداری مشهد

مأخذ: جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۹۰



محله پنج‌تن‌آل‌عبا یکی از محلات حاشیه‌نشین شهر مشهد است که در ناحیه ۳ منطقه ۴ شهرداری مشهد واقع شده است. طبق سرشماری سال ۱۳۷۵جمعیت این محله ۱۴۰۴۲ نفر بوده است که در سرشماری سال۱۳۸۵ جمعیت این محله تا ۱۷۳۵۷ نفر افزایش یافته است. جمعیت زنان ۸۵۴۹ نفر و مردان شامل ۸۸۰۸ نفر می‌باشد. تعداد خانوارهای این محله ۴۲۲۹ است. ۱۶/۷ درصد حاشیه‌نشینان شهر مشهد، در این منطقه شهرداری قرار دارند که این آمار نشان‌دهنده جمعیت قابل توجه این منطقه حاشیه‌نشین است (جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۹۰). در این محله ۸۶٪ از کل جمعیت از سرپرستان خانوار را مردان و مابقی را زنان تشکیل می‌دهند. در بین جمعیت این محله، ۵۵/۱ ٪ جمعیت ۲۰ تا ۴۰ ساله بودند که این امر نشان‌دهنده جوان بودن جمعیت این محله حاشیه‌نشین است که ازاین نظر مشابه کل جمعیت حاشیه‌نشین شهر مشهد هستند (مهندسان مشاورفرنهاد، ۱۳۸۸: ۱۱۱)، درحالی‌که جمعیت ۲۰ تا ۴۰ سال ۳۹٪ از کل جمعیت شهر مشهد را شامل می‌شود. ۲۲٪ جمعیت این محله بی‌سواد، ۵۳/۴٪ از جمعیت

زیردیپلم و مابقی تحصیلات دیپلم و بالاتر دارند که این آمار، با حاشیه شهر مشهد که حدود ۷۶ درصد باسواد دارد، برابری می‌کند(میرفندرسکی و همکاران، ۱۳۸۵). در حالی که با شهر مشهد که ۹۱/۸۵٪ جمعیت آن باسواد هستند تفاوت قابل توجهی دارد(مهندسان مشاورفرنهاد، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

از نظر سابقه سکونت ۳۱/۸٪ خانوارها کمتر از ۵ سال در این محله زندگی کرده اند، ۲۱/۶٪ بین ۶ تا ۱۰سال، ۱۰/۸٪ بین ۱۱ تا ۱۵ و درنهایت ۲۶/۱٪ جمعیت محله بیش از ۲۰سال در این محله زندگی کرده‌اند.

۴-۱- بررسی شاخص های کمی مسکن

۱۷/۱ ٪ از واحدهای مسکونی این محله آپارتمانی و مابقی ویلایی هستند. ۵۶٪ ساکنین مالک و ۴۰/۱٪ مستأجر و ۳/۵٪ در منازل رایگان (مانند خانه پدری) زندگی می‌کنند. آمار کلی مربوط به حاشیه‌های شهر مشهد نشان می‌دهد فقط ۱۴/۵٪ از ساکنین آن‌ها مالک هستند(جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۹۰) که درمقایسه با محله حاشیه‌نشین پنج‌تن‌آل‌عبا، این محله ازنظر مالکیت مسکن وضعیت بهتری دارد. ۵۴/۱٪ واحدهای مسکونی در این محله یک طبقه بوده و مابقی منازل دو طبقه و بیشتر داشتند. درحالی‌که متوسط تعداد طبقات واحد مسکونی در کل هسته‌های حاشیه‌نشین مشهد ۱/۲۶ می‌باشد که با متوسط ۱/۲۷ در هسته التیمور برابری می‌کند(مهندسان مشاورفرنهاد، ۱۳۸۸: ۱۳۷). ۹۷/۶٪ اهالی دارای صفر و یا یک اتاق در واحد مسکونی خود هستند.

۴-۲- بررسی شاخص های کیفی مسکن

از نظر کیفیت بنای ساختمان ۳۷/۴٪ منازل تخریبی، ۲۹/۲٪ مرمتی و مابقی قابل نگهداری و نوساز هستند. ازنظر وضعیت مالکیت، ۹۱/۶ ٪ خانوارها خانه‌های قولنامه‌ای دارند، ۳/۱٪ درصد مشاعی هستند و ۵/۳٪ سند مالکیت دارند که این آمارها در مقایسه با حاشیه شهر مشهد نشان می‌دهند ۹۴٪ حاشیه‌نشینان دارای منازل قولنامه‌ای هستند(جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۹۰). ۹۶/۵٪ منازل فاقد پروانه ساخت‌وساز هستند و در این محله فقط ۱/۴٪ منازل اسکلت فلزی دارند و مابقی، ۰/۸٪ خشت‌وگل، ۰/۸٪ آجروچوب و ۹۷٪ آجروآهن داشتند که این آمار در مقایسه با وضعیت ساخت‌وساز شهر مشهد که فقط ۲٪ منازل بامصالح بی‌دوام ساخته شده‌اند (جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۹۰)، نشان می‌دهد بیشتر خانه‌های این محله با مصالح کم‌دوام و یا نیمه با دوام ساخته شده‌اند.

۴-۳- برخورداری از خدمات اساسی

در محله پنج‌تن، میزان دسترسی خانواده‌ها به خدمات اساسی مانند آب، برق، گاز، تلفن، حمام و توالت از وضعیت نسبتاً خوبی برخوردار است و درمقایسه با سایر بخش‌های حاشیه‌نشین شهرمشهد دارای وضعیت مشابهی است.[۱]

۴-۴- بررسی وضعیت شاخص های کیفیت زندگی شهری در محله پنج تن آل عبا

در توصیف شاخص‌های کیفیت زندگی شهری، سه شاخص مهم مطرح شد که شامل شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی است، که جدول (۲) آمار توصیفی شاخص‌ها را در بین نمونه ۳۷۵ نفری بررسی کرده‌است.

جدول ۲: آمار توصیفی شاخص ها

شاخص	تعداد	میانگین	میانه	نما	انحراف معیار	واریانس	کمترین	بیشترین
اجتماعی	۳۷۵	۰/۱۶۵۴	۰/۱۶۵۳	۰/۱۸	۰/۰۵۱۴۵	۰/۰۰۳	۰/۰۳	۰/۳۱
اقتصادی	۳۷۵	۰/۱۴۰۷	۰/۱۲۸۶	۰/۰۹	۰/۰۴۵۷۳	۰/۰۰۲	۰/۰۴	۰/۳۴
کالبدی	۳۷۵	۰/۱۶۱۸	۰/۱۵۲۳	۰/۱۴	۰/۰۴۸۹۶	۰/۰۰۲	۰/۰۲	۰/۳۷

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱

مؤلفه های اصلی شاخص‌های سه‌گانه کیفیت زندگی شهری تحلیل شدند و با توجه به درصد واریانس تبیین‌شده توسط هر عامل، عامل‌های مذکور با روش مؤلفه‌های اصلی استخراج شدند.

جدول۳: تحلیل مؤلفه های اصلی کیفیت زندگی شهری وبارعاملی آن ها

شاخص های کالبدی	۰/۷۰۸	شاخص های اجتماعی	۰/۶۵۶	شاخص های اقتصادی	۰/۴۸۱

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱

دربین شاخص‌های کالبدی که دارای بیشترین همبستگی با کیفیت زندگی شهری هستند (مطابق جدول ۳) پروانه ساخت‌وساز و وضعیت مالکیت خانوار از معیارهای بسیار تأثیرگذار می‌باشند که بار عاملی آنها مطابق جدول (۴) شاهدی بر این مدعی است. همچنین کیفیت بنای ساختمان، برخورداری از خدمات

۱- برای آگاهی بیشترمراجعه شود به (مهندسان مشاور فرنهاد، ۱۳۸۸: ۱۳۰-۱۳۳)

اساسی (آب، برق، گاز ومواردی از این قبیل) مالک یا مستأجر بودن، وضعیت نما و معماری ساختمان از دیگر معیارهای کالبدی‌اند که بار عاملی آن‌ها نشان‌دهنده اهمیت آن‌هاست. همان‌طور که مشاهده می‌شود مقدار بار عاملی در همه معیارها (به جز نوع مصالح ساختمانی) بالاست و معیارها اختلاف نسبتاً کمی نسبت به یکدیگر دارند.

جدول۴: بارهای عاملی معیارهای کالبدی

زمینه اصلی	معیارها	بارهای عاملی	معیارها	بارهای عاملی
کالبدی	پروانه ساخت و ساز	۰/۹۵۶	وضعیت محل سکونت	۰/۷۶۹
	وضعیت مالکیت	۰/۹۵۵	وضعیت نما و معماری ساختمان	۰/۷۳۴
	کیفیت بنای ساختمان	۰/۸۲۱	نوع مصالح ساختمانی	۰/۴۸۵
	برخورداری از خدمات اساسی	۰/۷۸۲		

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱

پس از شاخص‌های کالبدی، شاخص‌های اجتماعی دارای بیشترین همبستگی با کیفیت زندگی شهری هستند(جدول ۵)، بیشترین معیارهای تأثیرگذار در بین شاخص‌های اجتماعی، مشارکت خانوارها در حل مشکلات محله و میزان رضایت‌مندی از زندگی است. فضای قابل‌سکونت که شامل تعداد خانوار در واحد مسکونی و تعداد افراد در واحد مسکونی است نیز معیاری تأثیرگذار بر شاخص‌های اجتماعی است. در این مجموعه، سطح سواد کمترین بارعاملی را داشته است که نشان‌دهنده اهمیت سایر معیارهای اجتماعی، به‌ویژه میزان مشارکت خانوار در رفع مشکلات محله و میزان رضایت‌مندی از زندگی است.

جدول۵: بارهای عاملی معیارهای اجتماعی

زمینه اصلی	معیارها	بارهای عاملی	معیارها	بارهای عاملی
اجتماعی	مشارکت خانوارها در مشکلات مربوط به محله	۰/۸۴۰	فضای قابل سکونت	۰/۷۷۷
	میزان رضایتمندی از زندگی	۰/۸۳۸	آموزش و سطح سواد	۰/۶۳۸

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱

همان‌طور که درجدول(۶) مشاهده می‌شود در بین شاخص‌های اقتصادی تعداد افراد تحت‌تکفل سرپرست خانوار و میزان رهن و اجاره واحد مسکونی مهمترین معیارهای تأثیرگذار هستند. همچنین میزان رهن و اجاره و میزان درآمد سرپرست خانوار دارای بار عاملی منفی‌اند که نشان‌دهنده رابطه معکوس آن‌ها با شاخص‌های اقتصادی است.

جدول۶: بارهای عاملی معیارهای اقتصادی

زمینه اصلی	معیارها	بارهای عاملی	معیارها	بارهای عاملی
اقتصادی	میزان درآمد سرپرست خانوار	۰/۵۷۳-	بارتکفل	۰/۸۲۶
	وضعیت اشتغال سرپرست خانوار	۰/۵۴۸	میزان رهن و اجاره	۰/۷۱۴-

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱

۴-۵- بررسی فرضیات پژوهش

فرضیه۱: سابقه سکونت بر ارتقای کیفیت زندگی شهری درمحله پنج‌تن‌آل‌عبا تأثیری مثبت دارد.

برای بررسی رابطه سابقه سکونت و کیفیت زندگی شهری، متغیر سابقه سکونت به‌صورت یک متغیر ترتیبی در ۵ طبقه در نظر گرفته شد و از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد (جدول ۷):

جدول۷: نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن

متغیر	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معنی دار	نتیجه آزمون
سابقه سکونت	۰/۰۹۹	۰/۰۷۷	رابطه معنی دار وجود ندارد
کیفیت زندگی شهری			

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱

باتوجه‌به سطح معناداری به‌دست‌آمده که بالاتر از ۰/۰۵ است، بین سابقه سکونت و کیفیت زندگی شهری رابطه معناداری وجود ندارد. یعنی با افزایش سابقه‌سکونت، کیفیت زندگی شهری بهبود نیافته و یا تنزل نمی‌یابد و این دیدگاه که به‌مرور زمان وضعیت زندگی حاشیه‌نشینان در حال بهبودست تأیید نمی‌شود.

فرضیه۲: ازنظر رضایت‌مندی زندگی بین مهاجرین اولیه و فرزندانشان تفاوت معناداری وجود دارد.

به‌منظور بررسی این فرضیه، متغیر رضایت‌مندی زندگی در دو گروه نسل قدیم (مهاجرین اولیه) و نسل جدید (فرزندانشان) بررسی شد. به دلیل اینکه دو گروه نسل قدیم و نسل جدید مستقل از یکدیگرند و

متغیر رضایت‌مندی زندگی یک متغیر کیفی رتبه‌ای است، از آزمون ناپارامتری یومان– ویتنی استفاده شد. نتایج در جداول (۸) و (۹) آمده‌است.

جدول۸: میانگین رتبه های رضایتمندی زندگی به تفکیک نسل

نوع نسل	تعداد	میانگین رتبه ها
نسل قدیم	۳۰۲	۲۳۴/۴۵
نسل جدید	۲۰۰	۲۷۷/۲۴
مجموع	۵۰۲	

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱

جدول۹: آزمون یومان– ویتنی برای رضایتمندی زندگی

مقدار آماره Z	۳/۲۸-
سطح معنی داری	۰/۰۱

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱

با توجه به جدول (۹) می توان با اطمینان ۹۵ درصد گفت، بین مهاجرین اولیه و فرزندان آن‌ها تفاوت معناداری ازنظر رضایت‌مندی زندگی در محله پنج‌تن‌آل‌عبا وجود دارد.

جدول۱۰: شاخص‌های مرکزی مربوط به رضایت‌مندی نسل جدید وقدیم

شاخص / نمره رضایتمندی	تعداد	میانگین	مد	میانه	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
نسل جدید	۲۰۰	۵/۱۱	۶	۵	۲/۴۵	۱	۱۶
نسل قدیم	۳۰۲	۵/۲۷	۶	۵	۲/۹۳	۱	۲۰

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱

براساس جدول (۱۰)، نمره رضایت‌مندی در نسل جدید، در مقیاس ۱ تا ۱۶ بررسی شد. متوسط نمره رضایت‌مندی در نسل جدید ۵/۱۱ به‌دست‌آمد. براساس شاخص مد می‌توان گفت بیشترین نمره رضایت‌مندی آزمودنی‌ها در نسل جدید، نمره ۶ است. نمره رضایت‌مندی در نسل قدیم در مقیاس ۱ تا ۲۰ بررسی شد. متوسط نمره رضایت‌مندی در نسل قدیم ۵/۲۷ به‌دست آمد. با توجه به شاخص مد، می‌توان گفت نمره رضایت‌مندی بیشتر آزمودنی‌های نسل قدیم، ۶ بود. به‌طورکلی می‌توان ادعا کرد،

متوسط رضایت‌مندی در نسل قدیم بیشتر از نسل جدید است که دلیل این امر فقر نسبی است و از مقایسه ناشی می‌شود که می‌تواند پیامدهای آسیب زننده‌ای به بار آورد.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد شاخص‌های اقتصادی نسبت به شاخص‌های اجتماعی اثر مهم‌تری بر بهبود کیفیت زندگی شهری دارند.

به‌منظور بررسی رابطه شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی با کیفیت زندگی شهری، ابتدا نرمال‌بودن این متغیرها بررسی شد. برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف–اسمیرنوف استفاده شد.

جدول۱۱: نتایج به‌دست‌آمده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

متغیرهای مورد بررسی	تعداد	آماره آزمون	سطح معنی دار	نتیجه آزمون
شاخص های اجتماعی	۳۷۵	۰/۷۸۶	۰/۵۶۷	نرمال است
شاخص های اقتصادی	۳۷۵	۲/۵۷۸	۰	نرمال نیست
کیفیت زندگی شهری	۳۷۵	۰/۸۲۸	۰/۴۹۹	نرمال است

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱

همان طور که در جدول (۱۱) مشاهده می‌شود سطح معناداری شاخص‌های اقتصادی کمتر از ۰/۰۵ به دست آمد و بنابراین فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن این متغیر رد شد. باتوجه‌به اینکه متغیر شاخص‌های اجتماعی و کیفیت زندگی شهری هر دو دارای سطح معناداری بالاتر از ۰/۰۵ بود، فرض نرمال بودن این دو متغیر پذیرفته شد. بنابراین برای آزمون ضریب همبستگی بین این دو شاخص از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد (جدول۱۲).

جدول۱۲: نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای شاخص های اجتماعی و کیفیت زندگی شهری

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی دار	نتیجه آزمون
شاخص های اجتماعی کیفیت زندگی شهری	۰/۵۹۵	۰	رابطه معنی دار وجود دارد

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱

با توجه‌به اینکه سطح معناداری به‌دست‌آمده کمتر از ۰/۰۵ است، بین شاخص‌های اجتماعی و کیفیت زندگی شهری رابطه معناداری با شدت ۰/۵۹۵ وجود دارد، این رابطه مستقیم است به‌این معنا که با افزایش

شاخص‌های اجتماعی، کیفیت زندگی شهری نیز افزایش می‌یابد و برعکس. برای آزمون ضریب همبستگی بین شاخص‌های اقتصادی و کیفیت زندگی شهری (به‌دلیل اینکه شاخص‌های اقتصادی نرمال نیستند) از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد(جدول ۱۳).

جدول۱۳: نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن برای شاخص های اقتصادی و کیفیت زندگی شهری

متغیر	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معنی دار	نتیجه آزمون
شاخص های اقتصادی کیفیت زندگی شهری	۰/۵۲۸	۰	رابطه معنی دار وجود دارد

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱

باتوجه‌به اینکه سطح معناداری به‌دست‌آمده کمتر از ۰/۰۵ است. می‌توان گفت بین شاخص‌های اقتصادی و کیفیت زندگی شهری رابطه معناداری با شدت ۰/۵۲۸ وجود دارد، این رابطه مستقیم است به این معنا که با افزایش شاخص‌های اقتصادی کیفیت زندگی شهری نیز افزایش می‌یابد و برعکس.

با توجه به اینکه رابطه بین شاخص‌های اجتماعی و کیفیت زندگی شهری و همچنین رابطه بین شاخص‌های اقتصادی و کیفیت زندگی شهری مثبت و معنی‌دار است و این دو بسیار نزدیک به یکدیگرند، نمی‌توان مشخص کرد کدام شاخص نقش مهمتری در کیفیت زندگی شهری دارد و بنابراین در پاسخ به فرضیه سوم می‌توان گفت که هر دو متغیر نقش تقریباً یکسانی در کیفیت زندگی شهری دارند.

۵- نتیجه گیری و پیشنهادات

امروزه کیفیت زندگی شهری، کلیدی‌ترین مفهوم در برنامه‌ریزی شهری است. بر این اساس برنامه‌ریزان در بیشتر کشورهای توسعه یافته به دنبال نمایش سطوح کیفیت زندگی در مناطق جغرافیایی مختلف هستند تا در نواحی که از نظر شاخص‌های مورد بررسی محروم‌ترند، راهکارهای مناسبی برای بهبود کیفیت زندگی بیابند.

نتایج بررسی رابطه سابقه سکونت و کیفیت زندگی نشان داد درین زمینه رابطه معناداری وجود ندارد. بر این اساس دیدگاهی که معتقدست وضعیت زندگی حاشیه‌نشینان با افزایش سابقه سکونت بهبود می‌یابد، تأیید نشد. از سوی دیگر، نتایج بررسی میزان رضایت‌مندی از زندگی نشان داد بین نسل قدیم (مهاجرین اولیه) و نسل جدید (فرزندان مهاجرین اولیه) تفاوت معنادارای وجود دارد؛ به‌طوری‌که میانگین رضایت-

مندی مهاجرین اولیه بیشتر از میانگین رضایت‌مندی فرزندان آنهاست که نشان می‌دهد با وجود بهبود وضعیت زندگی بیشتر حاشیه‌نشینان در گذر زمان، رضایتمندی نسل جدید از زندگی بسیار کم است. دلیل این امر آن است که با گذشت زمان، به دلیل بهبود وضعیت کلی زندگی فقر مطلق کاهش یافته اما فقر نسبی رو به افزایش است. فقر مطلق ناشی از مقایسه هر فرد با شهروندان دیگر است، این نوع فقر نگران‌کننده می باشد و می‌تواند زمینه بروز بزهکاری‌های اجتماعی را فراهم آورد، به طوری که در بررسی مشکلات رایج این محله، می‌توان به اعتیاد و تا حد زیادی درگیری‌های خیابانی اشاره کرد. توجه به این مورد، تأثیر بسیاری در بهبود شاخص‌های اجتماعی کیفیت زندگی شهری دارد.

نتایج بررسی شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی کیفیت زندگی شهری نشان داد برای بهبود وضعیت کیفیت زندگی شهری باید به شاخص‌های کالبدی بیشتر توجه کرد. با توجه به بالابودن بار عاملی شاخص کالبدی می‌توان نتیجه‌گرفت شاخص‌های کالبدی همبستگی بالایی با کیفیت زندگی شهری دارند. معیارهای شاخص کالبدی نیز بیشتر به بررسی وضعیت کیفی مسکن پرداخته‌اند که نشان می‌دهد ارتقای کیفیت زندگی شهری در این محله حاشیه‌نشین، نیازمند بهبود وضعیت کیفی مسکن این منطقه است، از سوی دیگر در بررسی وضعیت شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، با توجه به اینکه رابطه شاخص‌های اجتماعی و کیفیت زندگی شهری و همچنین رابطه شاخص‌های اقتصادی و کیفیت زندگی شهری، هر دو مثبت، معنادار و بسیار نزدیک به یکدیگر است، نمی‌توان مشخص کرد کدام شاخص نقش مهم‌تری در کیفیت زندگی شهری دارد. بنابراین می‌توان ادعا کرد هر دو متغیر نقش تقریباً یکسانی در کیفیت زندگی شهری دارند. باتوجه‌به مباحث اشاره شده و نتایج پژوهش‌های مشابه، این محلات حاشیه‌نشین، نیازمند توجه بیشتری هستند. برایناساس بهبود شرایط آن‌ها و استفاده از عنصر مشارکت مردمی برای توانمندسازی سکنه محله در راستای ارتقای کیفیت زندگی شهری این محلات بسیار اهمیت دارد.

کتابنامه

۱. احمدی، توحید. (۱۳۸۵). ***شناخت عوامل اسکان غیررسمی و پیامدهای آتی در شهر ماکو. پایان نامه کارشناسی ارشد.*** تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۲. اسفندیاری، اسماعیل. (۱۳۸۲). ***«فقر و انحرافات اجتماعی زمینه یا انگیزه؟».*** فصلنامه مطالعات راهبردی زنان. ۲۱. صص ۸۰– ۴۷.

۳. پیری، عیسی. (۱۳۸۴). ***امکان سنجی به کارگیری راهبرد توانمندسازی در ساماندهی سکونت گاههای غیررسمی، نمونه موردی :شهرک گلشهر مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد.*** مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

۴. جهاد دانشگاهی مشهد. (۱۳۹۰).

۵. حاتمی نژاد، حسین؛ منوچهری میاندوآب، ایوب؛ فرجی ملائی، امین و فرهادی، صامت. (۱۳۹۰). «***تحلیل کیفیت زندگی روستاهای ادغام شده در شهر***». *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای. ۱۶.* صص ۲۴۳–۲۱۹.

۶. حاج یوسف، علی. (۱۳۸۵). «***کیفیت زندگی و راهبردهای اصلاحی***». نشریه دهاتی.*۲۸. صص ۳۷–۳۱.*

۷. حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۷). ***مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی.*** تهران: انتشارت سمت.

۸. خالدی، کوهسار و پرمه، زورار. (۱۳۸۴). «***بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۸۲-۱۳۷۵)***». اقتصاد کشاورزی و توسعه.۸۴ صص ۸۲–۵۷.

۹. زنگی آبادی، علی. (۱۳۷۸). ***تحلیل و سازماندهی ساختار فضایی شاخص های توسعه شهری درشهرهای بالاتر از صد هزار نفر ایران.*** رساله ی دکتری جغرافیای شهری. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

۱۰. سرور، رحیم؛ جعفری، فرهاد. (۱۳۸۸). «***تحلیل روند شهرنشینی و آینده نگری رشد سکونتگاهای غیررسمی در منطقه کلانشهری تهران***». فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیای ایران.۷(۲۳). صص ۹۳–۷۷.

۱۱. سیدنورانی، سید محمدرضا. (۱۳۷۹). «***اثرسرمایه گذاری مستقیم خارجی بر تقاضای کل اقتصاد***». ماهنامه اطلاعات اقتصادی سیاسی. ۱۵۲–۱۵۱.

۱۲. شم آبادی، احمد. (۱۳۸۶). ***حاشیه و حاشیه نشینی در کلان شهر مشهد با تأکید بر مدیریت شهری ،نمونه موردی: شهرک نوده. پایان نامه کارشناسی ارشد. مشهد***: دانشگاه فردوسی مشهد.

۱۳. شوبرت، ر. (۱۳۷۵). «***فقر در کشورهای در حال توسعه :تعریف، وسعت و رهنمودها***». ترجمه تیمور محمدی. مجله برنامه و بودجه. ۲.صص ۱۱۲–۸۵

۱۴. شیخی، محمد. (۱۳۸۱). «***سکونت گاه های خودرو گذار از آسیب به راه حل،روند گذار و ویژگیهای اجتماعی -اقتصادی کانونهای جمعیتی خودرو با تکیه بر موردپژوهی اسلام شهر،اکبر آباد(نسیم شهرو سلطان آبادگلستان)***». فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۲(۶). صص۲۲۲–۱۹۹.

۱۵. صابری فر، رستم. (۱۳۸۸). ***«بررسی تحلیلی حاشیه نشینی در شهر بیرجند: مطالعه موردی منطقه کارگران».*** فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. ۹۲(۲۴). ۵۲-۲۹.

۱۶. صالحی امیری، سیدرضا؛ خدائی، زهرا. (۱۳۸۹). ***«ویژگی ها و پیامدهای اسکان غیررسمی و حاشیه نشینی شهری، نمونه موردی : کلان شهر تهران».*** مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران. ۳. صص ۸۰-۶۵.

۱۷. فرجی ملائی، امین؛ عظیمی، آزاده و زیاری، کرامت الله. (۱۳۸۹). ***«تحلیل ابعاد کیفیت زندگی در نواحی شهری ایران».*** *مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری.* ۱(۲).صص۱۶-۱.

۱۸. قالیباف، محمدباقر؛ روستائی، مجتبی؛ رمضان زاده لسبوئی، مهدی و طاهری، محمدرضا.(۱۳۹۰). ***«ارزیابی کیفیت زندگی شهری(مطالعه موردی: محله یافت آباد)».*** فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیای ایران. ۹(۳۱). صص۵۳-۳۳

۱۹. کوکبی، افشین. (۱۳۸۶). ***«معیارهای ارزیابی کیفیت زندگی در مراکز شهری».*** نشریه هویت شهر. ۱. صص ۸۷-۷۵

۲۰. محمدی، یاسر؛ رحیمیان، مهدی؛ موحد محمدی، حمید و طرفی، عبدالحسن. (۱۳۸۷). ***«بررسی چالش های حاشیه نشینی در شهرستان کوهدشت ، استان لرستان».*** پژوهش های جغرافیای **انسانی.** *۶۶.* صص ۹۸-۸۵

۲۱. مهندسان مشاور فرنهاد. (۱۳۸۸) ***طرح توسعه و عمران(جامع) کلان شهر مشهد مقدس*** .مشهد: وزارت مسکن وشهرسازی شهرداری مشهد(نهاد مطالعات و برنامه ریزی توسعه و عمران مشهد).

۲۲. *میرفندرسکی و همکاران.* (۱۳۸۵). ***مدیریت ساماندهی حاشیه شهر مشهد.*** مشهد: شهرداری مشهد.

۲۳. نقدی، اسداله و زارع، صادق. (۱۳۸۹). ***«جهان چهارم ایرانی-سیمای «زیست حاشیه ای»و «مسائل شهری»در همدان و برخی راه چاره ها».*** مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران. ۱(۳). صص ۱۶۶-۱۴۵.

24.Abbott, J. (2002). ***A method-based planning framework for informal settlement upgrading***. Habitate International. 26(3):452-303.

25.Dubovyk, O., Sliuzas, R. & Flacke, J. (2011). ***Spatio-temporal modelling of informal settlement development in Sancaktepe district, Istanbul, Turkey.*** ISPRS Journal of Photogrammetry and Remote Sensing. 66(2): 235-246

26.Guillermo A., Adrian & Santos, C. (2011). ***Informal settlements needs and environmental conservation in Mexico City:An unsolved challeng for land-use policy.*** Land use policy. 24(8). 662-649.

27.Huchzermeyer, M. (2009). ***Enumeration as a Gressroot Tool Towards Security Tenure in Slums:Insights From Kisumu,Kenya.*** Urban Forum. 20 :292-271.

28.Jeffres, L.W. & Dobos, J. (1995). ***Separating people's satisfaction with life and public perceptions of the quality of life in the environment.*** Social Indicators Research. 181-211.

29.Kit, O., Lüdeke, M. & Reckien, D. (2011***). Texture-based identification of urban slums in Hyderabad, India using remote sensing data.*** Applied Geography. 32(2): 660-667.

30.Lansing, J.B. and Marans, R.W. (1969). ***Evaluation of Neighborhood.*** Journal of the American Institute of Planners. 35 (3): 195-199.

31.Morais, P. & Camanho, A.S. (2011). ***Evaluation of performance of European cities with the aim to promote quality of life improvements***. Omega.39(4): 398–409.

32.NordHaus, W.D. & Tobin, J. (1972). ***Is growth obsolete?.*** Economic Research: Retrospect and Prospect. 5: 1-80. National Bureau of Economic Research.

33.Pacione, M.H. (2003). ***Urban environmental quality and human wellbeing - a social geographical perspective.*** Landscape and urban planning. 65: 5–18

34.Parsa, A. & Nakendo, F. (2011). Impact ***of formalisation of property rights in informal settlements : Evidence from Dares Sallaam City.*** Land use policy.28(4): 736-747.

35.Raphael, D., Renwick, R., Brown, I. & Rootman, I. (1996). ***Quality of life indicators and health: current status and emerging conceptions.*** Social Indicators research. 39:65-88

36.Rosen, S. (1979). ***Wages-based indexes of urban quality of life.*** Mieszkowski and M. Straszheim (eds.). Current issues in urban economics. Baltimore :Johns Hopkins University Press.

37.Ruther, H., Hagai, M. M and Mtalo, E.G. (2002). ***Application of Snakes and Dynamic Programming Optimization in Modeling of Buildings in Informal Settlement Areas***. ISPRS Journal of Photogrammetry and Remote Sensing. 56(2002): p 269-282.

38. Stover, M.E. & Leven, C.L. (1992). ***Methodological issues in the determination of the quality of life in urban area.*** Urban studies. 29(5): 737-754.

39. Tuan Seik, F. (2000). ***Subjective assessment of urban quality of life in Singapore (1997-1998)***. Habitat International. 24(1): 31-49.

40. Westaway, M.S. (2006). ***A longitudinal investigation of satisfaction with personal and environmental quality of life in an informal South African housing settlement, Doornkop, Soweto.*** Habitat International. 30(1): 175–189.